



دوبازنده

سپاهان و شهرخودرو دو نماینده ایران در آسیا با شکست‌های تکراری و قابل پیش‌بینی خدا حافظی تلخ وزود هنگامی با آسیا داشتند. آنچه ثابت کرد که برای موفقیت در آسیا نمی‌توان به فرمول‌های تکراری و کلیشه‌ای دل بست و این تصمیمات تنها مصرف داخلی دارند. ناکامی سپاهان و شهرخودرو چه پیامی برای فوتبال ایران دارد؟ پرونده امروز این سؤال را واکاوی می‌کند.

فاجعه مدیریتی پشت شکست‌های متوالی شهرخودرو و سپاهان

مغزهای کوچک زنگ زده

علی کمانگری



سرمربی انتخاب کند و بعد هم نتیجه بگیرد.

فوتبال ایران باید بداند فوتبال در قاره آسیا و سراسر جهان سال‌هاست که روی اصول، برنامه‌ریزی و تمام عباراتی که برای مدیر ایرانی کلیشه‌ای و بی‌فایده جلوه می‌کند، جلو می‌رود. فوتبال ایران باید بداند دیگر کاریزهای فلان مربی، محبوبیت یک بازیکن، تجربه دیگری و داد و فریادهای لب خط آن یکی، اگر پشتوانه‌ای به اسم «دانش فنی» نداشته باشد، ره به جایی نخواهد برد. فوتبال ایران باید بداند دیگر نمی‌توان تنها روی عباراتی چون «غیرت بچه‌ها» و «غیرت زبانزد ایرانی» حساب کرد و جلو رفت. مدیر ایرانی و فوتبال ایران باید بداند آنچه نخ‌نما شده، آنچه یک کلیشه بی‌ثمر است، مانور پوپولیستی روی کلماتی مثل «غیرت» و «تعصب» است، نه کلماتی که تنها در ذهن زنگ‌زده مدیر ایرانی کلیشه‌ای فرض می‌شود. آری، شهرخودرو باید می‌باخت تا مالک باشگاهش متوجه شود در تقابل سرمربی و بازیکنش، نباید پشت سرمربی را خالی کند و یک هفته بعد، آن بازیکن را سرمربی تیم. سپاهان هم باید می‌باخت تا مدیران این باشگاه برای ۴ مسابقه حساس در لیگ قهرمانان آسیا روی یک سرمایه باشگاه قمار نکنند. آنها می‌توانستند بعد از رقابت‌های لیگ قهرمانان تیم را به طور کامل به محرم بسپارند و برای این مسابقات، حداقل دستیار قلعه‌نویی، نکسیرا را سرمربی تیم نگه می‌داشتند که روی بازیکنان این تیم هم شناخت بهتری داشت. فراموش نکنیم قبل از این دو مسابقه، سپاهان تنها یک امتیاز با صدر جدول فاصله داشت و کاملاً از شانس صعود برخوردار بود. صعودی که خود می‌توانست چند صد هزار دلار را به حساب باشگاه واریز کند. اما اینجا ایران است؛ تعقل و تدبیر، آخرین حلقه زنجیر تصمیم‌گیری یک مجموعه مدیریتی محسوب می‌شود!

سام ستارزاده



فوتبال مامدت مدیری را بیاد خاطرات شیرین سال‌هایی که باشگاه‌های عربی زنگ تفریح همتایان ایرانی‌شان بودند در غفلت سرکرده و هنوز هم از این خواب غفلت بیدار نشده؛ کم‌اینکه اگر امروز هم به خود بیاید، کمی دیر است. عملکرد سپاهان و شهرخودرو در مسابقات امسال به قدری ضعیف بوده که آن را یک بیدارباش برای لیگ برتر بخوانیم؛ هر چند می‌دانیم از ابتدای این دو نماینده ما انتظار قهرمانی آسیا نمی‌رفت.

شهرخودرو در ۵ بازی آسیایی نخست تاریخش (با احتساب پلی‌آف) موفق به گلزنی نشد و تنها از السلیبه قطر گل نخورد. طلایی‌های اصفهان نیز سواي یادگاری قشنگی که در شهر العین برجای گذاشتند، در سه دیدار اخیرشان ۷ گل از دودمدعی امسال لیگ قهرمانان آسیا دریافت کرده‌اند، بدون اینکه گلی به ثمر برسانند. هر چقدر نماینده مشهد در لیگ هم آمار متوسطی در دفاع و حمله داشت، سپاهان در هر دوی این آمار سومین تیم برتر لیگ بود.

شاید همین نمایش شاگردان نویدکیا اگر مقابل التعاون یا شباب الاهلی اجرا می‌شد، اسطوره فوتبال اصفهان دوران سرمربی‌گری‌اش را با شش امتیاز استارت می‌زد. اما به هر ترتیب، استیصال دو پرچمدار فوتبال باشگاهی ایران در گلزنی به حریفان و گل نخوردن از آنان گواه این است که میانگین گل نازل لیگ برتر در فصول اخیر مربوط به سیستم دفاعی باشگاه‌های داخلی نیست؛ بلکه از خلاهای فنی ناشی می‌شود که گویا پرداختن به آنها برای کسی

سپاهان و شهرخودرو، در جست و جوی هیچ

بدون حرف و هدف در آسیا

سودی ندارد. آنچه در گروهی آسیابه مشهودی‌های حذف شده و سپاهانی‌های کم‌امید لطمه زد، بی‌ثباتی‌ها روی نیمکت بود؛ بی‌ثباتی‌هایی که از بی‌برنامگی و بی‌توجهی مالکان دو باشگاه به دستاوردهای آسیایی پیش‌رو نشأت می‌گرفت. اگر در اصفهان قرار بر کار با محرم بود، قرارداد وی می‌توانست زودتر بسته شود تا شاگراش هماهنگ‌تر در آسیا بازی کنند و سرمربی آینده‌دار سپاهان عاجزانه نگوید که نمی‌تواند برای آسیا کاری انجام دهد. در شهرخودرو نیز جدای از نقدهای صحیحی که به انتخاب سیدمهدی رحمتی شد، حداقل می‌شد گذاشت تیم با پنجره بسته و جلسات تمرینی اندک زیر نظر سرمربی جدید عازم قطر شود؛ آن هم با دوسنگریان کم‌تجربه. نه عنایی‌های مشهد و نه طلایی‌پوشان اصفهان بابت شکست و حذف شماتت نمی‌شوند. اما آنچه از هر دو انتظار می‌رفت و در شهرخودرو دیده نشد (و در سپاهان کامیابش به چشم خورد) یک آماده‌سازی درخورد برای حضور با حداکثر قوا در این میادین بود. حضور در چنین آوردگاه‌های آسیایی برای هر باشگاهی یک فرصت بی‌نظیر است برای تجربه‌اندوزی و ایجاد ارتباط با غول‌های باشگاهی که در همسایگی‌اش فعالیت می‌کنند؛ همان‌طور که التعاون عربستان، شارجه امارات و الشرطه که لیگ کشورش به شکل بسیار نامنظمی برگزار می‌شود قدر این موهبت را دانستند؛ اما دو تیم شایسته و بازیکن‌ساز کشورمان بیشتر از گشودن چشم روی این موقعیت، آن را مانند کبوتری از دستانشان به آسمان فرستادند.